

نامه ای از یک همکار

## عبور جامعه آزمایشگاهی از جامعه آزمایشگاهی

### بخش نخست: ازماست که برماست

دوستان و همکاران گرامی

چندی است اخبار ضد و نقیضی از تغییر آیین نامه تاسیس و مسوولیت فنی آزمایشگاه به گوش می رسد اخباری که حاکی از احتمال صدور مجوز به دکترای تک رشته ای علوم پایه است. اما چرا؟

در پاسخ به این پرسش تمامی همکاران گواهی می دهند که اختلافات چندین ساله اعضا مختلف جامعه آزمایشگاهی به دلایل گوناگون از جمله کنایه های ریز و درشت به یکدیگر مبنی بر ناتوانی علمی یا عملی آزمایشگاهی، کمبود دانش بالینی در برخورد با بیمار و آمار نادرست کمبود نیروی متخصص، کار را به جایی رسانده است که برخی از همکاران در جهت تضعیف طرف مقابل و شاید ضربه زدن به گروه مقابل، قانون فعلی تاسیس و مسوولیت فنی آزمایشگاه را نادیده گرفته و پیگیر صدور مجوز هایی برای گروه های تک رشته ای هستند.

در یک نگاه منصفانه شاید تاسیس آزمایشگاه با تجمیع چهار الی پنج رشته دکتری تک رشته ای و با مسوولیت فنی یک متخصص پاتولوژی یا دکترای علوم آزمایشگاهی بهتر از تاسیس آزمایشگاه توسط شرکت های تعاونی و یا درمانگاه هایی باشد که بدون توجه به مدارک و سوابق افراد و صرفاً به دلیل برنده شدن در مزایده اجازه تاسیس آزمایشگاه داده می شود، باشد. اما همگان و حتی دوستان تک رشته ای بهتر می دانند که هدف از تاسیس این رشته ها تقویت علوم پایه پزشکی بوده است و لذا می بایست بسترهای لازم جهت جذب این عزیزان در مراکز دانشگاهی و پژوهشی با حقوق و مزایای مناسب آماده گردد نه اینکه به دلیل ناتوانی برخی سیستم ها در جذب ایشان، آدرس اشتباهی به ایشان داد و به یکباره عدم توازنی را در چرخه آزمایشگاهی کشور ایجاد نمود. در این راستا به نظر می رسد گروه های جامعه آزمایشگاهی می بایست ضمن کنار گذاشتن اختلافات گذشته و تمکین قوانین بین المللی که در حال حاضر پاتولوژیست با گرایش بالینی و آناتومی را مجاز به تاسیس آزمایشگاه می داند و احترام به همکارانی که در سال های گذشته واجد شرایط تاسیس و مسوولیت فنی آزمایشگاه بوده و هستند و منشأ بسیاری از اقدامات و فعالیت های مهم بوده و هستند، دست به دست هم دهیم و مشکل مربوطه را حل نماییم تا اگر افرادی با هر نیت، در صدد مشکل آفرینی باشند مجاب به تمکین از نظر اکثر گروه های آزمایشگاهی شوند زیرا در صورت ادامه اختلافات گذشته به مصداق شعر زیر همگان ضربه خواهند خورد.

یکی بر سر شاخ بن می برید خداوند بستان نگه کرد و دید

بگفتا گر این مرد بد می کند نه با من که با نفس خود می کند

